




Intangible Cultural Heritage, Roots of Survival and Vitality of the Takāya in Gorgan

Maryam Mohammadi 	Master of Architectural and Urban Heritage Conservation, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Reza Rahimnia * 	Assistant Professor, Architecture and Urbanism Faculty, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Amir Mohammad Moazezi Mehr-e-Tehran 	Assistant Professor, Architecture and Urbanism Faculty, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

Introduction

One of the most crucial components shaping the urban structure of Estarabad is the presence of neighborhood and urban spaces, whose conservation and development have been fundamental throughout history. The physical structure of these spaces has consisted of a blend of enclosed built spaces and open urban spaces (squares), which serves as Takāya during ritual ceremonies (Reshtchian, n.d; Moghaddasi et al., 1395). The intangible heritage of Gorgan, intertwined with these Takāya, not only contributes to identity formation but also brings vitality and liveliness to the historical fabric of Gorgan. Based on this, and considering the role and importance of this type of heritage in conserving, sustaining, and enlivening the city's Takāya, this article aims to focus on the intangible heritage related to the Takāya of the city, presenting an overview and documentary evidence of the intangible heritage and living cultural ecosystem of Gorgan in connection with urban and neighborhood spaces (Takāya).

Research Background

Various studies have been conducted focusing on the Takāya of Gorgan to date. Some of them have solely documented the physical structure of the historical Takāya of Gorgan (Mousavi Sarvineh Baghi, 1394; Moghaddasi et al., 1395). Others have delved into the cultural values of the Takāya, particularly their rituals, and have

Corresponding Author: rahimnia@arc.ikiu.ac.ir

How to Cite: Mohammadi, M; Rahimnia, R; Moazezi Mehr-e-Tehran, A. M. (2024). Intangible Cultural Heritage, Roots of Survival and Vitality of the Takāya in Gorgan, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 11(21), 139-173.

primarily focused on introducing these aspects. Katouli (1388), Nazif (1390), Mirhosseini (1390), Livani (1391), and Moghsemi (1394) stand out as some of the most important studies in this area. However, there hasn't been a specific study focused on the current intangible heritage within Takāya. Perhaps the closest study in this regard would be attributed to Absalan (n.d.).

Methodology

Research is one of Applied Research, that in terms of strategy, it follows a qualitative approach. Methodologically, it employs an interpretive-historical method. On the other hand, considering the subjective and thematic focus of the present study on the historical Takāya of Gorgan, it can also be considered a case study. This study utilizes both library and field research methods, relying on interviews with local informants and previous researchers to gather the necessary foundational information.

Finding

In this research, however, only the rituals and religious ceremonies (intangible cultural heritage) of Gorgan have been carefully examined in relation to the Takāya. In historical documents of the city of Estarabad, evidence regarding the history of holding Muharram rituals trace the tradition back to the late Safavie era (Rabino, 1383). This is substantiated by inscriptions dating back to the time of Toq-e-Takieh Sahib-Ekhtyari in the Ne'albandan neighborhood (1131 AH) and another plaque from 1155 AH found in the Takieh Dabbaghan neighborhood (a series of canals were allocated for ta'ziyeh ceremonies of Imam Hussein, Imam Reza, and Imamzadeh Abdullah). These rituals and religious ceremonies have continued to evolve with some changes up to now, within the hearts of Gorgan's Takāya. Some of these heritages remain dynamic (such as Toq-Bandan, Halim-Pazi, Sobh-e-Rusyah), some have undergone changes (such as Dast-e-gardani, Dast-e-Choubi), and some parts of them (Such as women's ta'ziyeh and accommodation of the poor) have been relegated to oblivion. Given the interconnected relationship between the structure of the Takāya and the intangible heritage of the city, this dual relationship has facilitated better conservation.

Table 1. The Status of Implementing Intangible Cultural Heritage in the Takāya of Gorgan.

Row	Gorgan's Takāya	Ongoing Ceremonies						Ceremonies Obsolete
		Et'am Dehi (Feeding the poor)	Dasteh-Chübū	Šobhi-Rū-Siyāh & Šām-i-Gharībān	Halīm-Pazī	Pā-Minbarī	Tūq-Bandān	
1	Takieh Mikhocheh-geran	*	*	*	*	*	*	women's Ta'zieh Rituals (House of Nobles), Sheltering the Poor and Travelers
2	Takieh Sarpir	*	*	*	*	*	*	
3	Takieh Dabbaghan	*	*	*	*	*	*	
4	Takieh Sabzeh-Mashhad	*	*	*	*	*	*	
5	Takieh Sarcheshmeh	*	-	*	*	*	*	women's Ta'zieh Ceremonies (Local Aristocrats' House), Sheltering the Poor and Travelers, Dasteh-Chübū
6	Takieh Doshanbe'i	*	-	*	*	*	*	
7	Takieh Darb-e-Noo	*	-	*	*	*	*	
8	Takieh Meydan	*	-	*	*	*	*	
9	Takieh Mirkarim	*	-	*	*	*	*	
10	Takieh Shahzadeh-Ghasem	*	-	*	*	*	*	
11	Takieh Ne'albandan	*	-	*	*	*	*	
12	Takieh Pasro	*	-	*	*	*	*	

Conclusion

This study, focusing on the intangible heritage of Gorgan's Takāya, emphasizes the importance of intangible cultural heritage in the continuity of identity and the vitality of a place. In other words, when Gorgan's rituals are actively present and sustained, not only do the city's Takāya serve as a physical context for these traditions, but they also draw vitality and continuity from them. Conversely, if these rituals are forgotten, the physical structure gradually loses its own stability. As a result, this interconnected relationship between intangible and tangible heritage of a place provides a basis for better conservation. Therefore, conservation efforts should select a comprehensive path for protection and safeguarding, taking into account the serious connection and extensive influence between these two types of heritage of a place.

میراث فرهنگی ناملموس، بن‌مایه بقا و حیات تکایا در شهر گرگان

کارشناس ارشد مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

مریم محمدی

استادیار گروه مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

رضا رحیم‌نیا*

استادیار گروه مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

امیرمحمد معززی

مهر طهران

چکیده

میراث فرهنگی ناملموس پلی است که گذشته را به حال و حال را به آینده پیوند می‌دهد و در ایجاد احساس هویت در افراد هر جامعه‌ای نقشی اساسی ایفا می‌کند. توجه به میراث ناملموس هر قوم و ملتی در کنار میراث فرهنگی ملبوسان و حفظ آن‌ها، امروزه به منظور نمایان‌سازی تفاوت‌های فرهنگی، بیش‌ازپیش اهمیت پیدا کرده است. میراث ناملموس گرگان نیز از دیرباز تا به امروز با جریان داشتن در کانون‌های محله‌ای و شهری گرگان، یعنی تکایای شهر که عرصه تجلی فرهنگ زنده و مکانی همگانی برای نمایش همبستگی فرهنگی و مذهبی به شمار می‌آید، ضمن هویت‌بخشی، پویایی و سرزندگی بافت تاریخی گرگان را به ارمغان آورده است. مقاله حاضر با هدف «معرفی و مستند ساختن میراث ناملموس و فرهنگ زنده زیست‌بوم گرگان در ارتباط با کانون‌های شهری و محله‌ای شهر (تکایا)»، متکی بر اسناد مکتوب و شفاهی، از مسیر مطالعه اسنادی و مصاحبه، به ثبت و معرفی این میراث همواره در خطر فراموشی گرگان پرداخته است. مطالعه‌ای که نشان می‌دهد، برخی از این موارد همچنان پویا (مانند توق‌بندان، حلیم‌پزی، صبح روسیاه و شام غریبان، اطعام دهی)، تعدادی از آن‌ها دستخوش تغییر (مانند دسته‌گردانی، پامبری، دسته‌چوبی) و بخشی از آن‌ها (مانند تعزیه زنان (رسم گفتگو) و اسکان فقرا) نیز به دست فراموشی سپرده شده‌اند. با توجه به رابطه هم‌بسته میان کالبد تکایا و میراث ناملموس شهر، این رابطه دوگانه خود موجبات حفاظت بهتر را فراهم آورده است. وجود و حضور میراث ناملموس از یک سو به حفاظت از کالبد تکایا منجر شده و از سوی دیگر بستری را برای تداوم خود مهیا کرده است.

کلیدواژه‌ها: میراث فرهنگی ناملموس، تکایا، حفاظت، گرگان.

* نویسنده مسئول: rahimnia@Arc.ikiu.ac.ir

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «نقش میراث فرهنگی ناملموس در باززنده‌سازی مجموعه‌های تاریخی، نمونه موردی: تکایای میخچه‌گران گرگان» در رشته مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم است.

مقدمه

استخوان‌بندی و ساختار بافت شهری استرآباد که بازمانده‌های آن را به شکل گذرگاه‌های کهن، کانون‌های محله‌ای و میدان‌ها و کانون‌های شهری، امروزه در هسته کهن شهر گرگان کنونی می‌توان دید، همانند با بسیاری از شهرهای تاریخی کشور مانند اصفهان، تبریز، قزوین، مشهد، شیراز، کاشان و... همه‌وهمه در روزگار صفویان و به ویژه در سال‌های پادشاهی شاه‌عباس بنیاد گذارده شده و در گذر زمان تحول یافته است (رشتچیان، بی‌تا: ۵). از جمله مهم‌ترین عناصر این استخوان‌بندی کانون‌های محله‌ای و شهری است که حفظ و توسعه بن‌پاره‌های شکل‌دهنده این فضاها در سال‌های بعدی نیز در چارچوب آبادی‌گری‌های مردمی^۱، پی گرفته شده است. ساختار کالبدی این کانون‌ها آمیزه‌ای از مکان‌های ساخته شده بسته و مکان‌های باز (میدان) شهری بوده و هست که در زمان برگزاری سوگواری‌های آیینی، کارکرد «تکیه» به خود می‌گیرد.

این کانون‌ها گرچه بسته به مکان‌ها و کارکردهای شهری و محله‌ای جای گرفته در آن، از یکدیگر متمایز می‌شده‌اند؛ اما همگی به واسطه کارکرد واحدی که در ایام مختلف مذهبی و آیینی به عنوان تکیه به خود می‌گرفتند، به مکانی همگانی برای نمایش همبستگی فرهنگی و مذهبی از راه برگزاری آیین‌های گروهی بدل می‌شدند (مقسمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۹). جالب آنکه امروزه نیز علی‌رغم چندپارگی بافت تاریخی گرگان در نتیجه خیابان‌کشی‌های دوره پهلوی (اردلان و عاقلی، ۱۳۹۳)، این اندام‌های شهری به‌مثابه بستر بازنمایی سویه‌های آیینی- فرهنگی- مذهبی زندگی مردم، نقش و فعالیتشان تداوم یافته است. موقعیت ممتاز قرارگیری این کانون‌ها (تکایا) در مراکز محلات نیز در این تداوم مؤثر بوده است به طوری که در طی سالیان سال، به موازات تغییر شرایط زندگی مردم و تغییر نگرش آن‌ها، علاوه بر میزبانی از مراسم مذهبی ایام محرم؛ فعالیت‌های گوناگون و

۱. در زمینه ساخت و گسترش مکان‌های آیینی، گرگان نیز مانند برخی دیگر از شهرهای ایران، در دوره قاجار، بهره‌ای از آبادگری دولتی نداشت و بیشتر این مکان‌ها در چارچوب رویکرد آبادگرانه وابستگان به دستگاه دولتی گسترش می‌یافت (رشتچیان، بی‌تا: ۶۰).

متنوع دیگری نیز در آن‌ها رخ داده و کیفیتی تازه از فضای شهری پدیدار شده است (محمدی، ۱۴۰۲: ۴۰؛ کتولی، ۱۳۸۸: ۴۸-۴۹).

درواقع تکایا با تداوم فعالیت خود علاوه بر آنکه منجر به رشد، پویایی و سرزندگی بافت تاریخی گرگان شده‌اند، به پاسداشت و صیانت از میراث ناملموس^۱ شهر به عنوان گونه‌ای مهم از میراث فرهنگی - که معمولاً مورد غفلت واقع می‌شود - نیز کمک کرده است. میراثی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، همواره حس هویت و استمرار را برای جوامع به ارمغان می‌آورد و بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند (UNESCO, 2003). تکایا به عنوان ظرف کالبدی رخدادهای فرهنگی و مذهبی همواره مورد توجه مطالعات مختلف بوده است (کتولی، ۱۳۸۸؛ مقسمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ موسوی سروینه باغی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ اما در کمتر پژوهشی به مظلومیت آن یعنی میراث ناملموس و سنن و فرهنگ بومی جاری در شهر و وابسته به تکایا پرداخته شده است. این در حالی است که میراث ناملموس به دلیل آنکه به شکل شفاهی و سینه به سینه نقل می‌شود (شاهی و خورشید، ۱۳۹۴: ۴) در صورت عدم ثبت، معرفی و شناسایی همواره در خطر فراموشی و رفتن از یادهاست. نباید این موضوع را فراموش کرد که میراث فرهنگی ناملموس به اشیای بی‌جان مرتبط نیست و بیشتر در برگیرنده افراد و مردم است. براین اساس و باتوجه به نقش و اهمیت این گونه از میراث گرگان در حفظ، بقا و حیات تکایای شهر، مقاله حاضر، به منظور مذاقه بر میراث ناملموس مرتبط با تکایای شهر، «معرفی اجمالی و مستند ساختن میراث ناملموس و فرهنگ زنده زیست‌بوم گرگان در ارتباط با این کانون‌های شهری و محله‌ای شهر (تکایا)»، را به عنوان هدف دنبال می‌کند. برای دستیابی به این هدف، پس از مرور و معرفی اجمالی تکایای گرگان، به تشریح و تبیین آیین و سنن مذهبی جاری در تکایا پرداخته خواهد شد.

۱. میراثی که در تعریف یونسکو (۲۰۰۳)، به «رسوم، نمایش‌ها، اصطلاحات، دانش، مهارت‌ها و نیز وسائل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی مرتبط با آنها اطلاق می‌شود، که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود می‌شناسند» (UNESCO, 2003: Art 2).

پیشینه پژوهش

باتوجه به آنچه در مقدمه مرور شد به طور عام تکیه به عنوان بستر پیدایش آیین‌ها و محرک حیات محله و میراث ناملموس به مثابه محرکی بر حیات تکایا از موارد قابل بررسی در این بخش هستند. علاوه بر این به طور خاص تکایای گرگان (به عنوان موضع این مطالعه) و میراث فرهنگی ناملموس آن‌ها (به عنوان موضوع این مطالعه) از موارد قابل توجه بوده که باید پیشینه مطالعات مرتبط با آن‌ها را بررسی کرد. باید در نظر داشت که نقطه اشتراک موضوعی تکیه و میراث ناملموس در دیگر موضع‌ها از مواردی است که نباید از نظر دور بماند.

در نگاه عام، معرفی و ارائه ویژگی‌های تکایا و حسینیه‌ها از منظر کالبدی و کارکردی و مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته قابل توجه هستند. برخی از این مطالعات تنها به معرفی اولیه، ارائه تاریخچه، ابعاد، ترسیمات فنی و... در پهنه ایران پرداخته‌اند (بزرگ‌نیا، ۱۳۸۵؛ ملازاده و محمدی، ۱۳۸۲) و گروهی دیگر نیز آن‌ها را یا در یک موضع خاص و یا از منظری خاص مورد بررسی و توجه قرار داده‌اند (رحیم‌زاده، ۱۳۸۲؛ حسن‌پور و سلطان‌زاده ۱۴۰۰؛ رضوانی و دیگران، ۱۳۹۶). علاوه بر معرفی، از منظر کالبدی نقش مرکزیت تکایا در هر محدوده و محله قابل توجه است. به عنوان نمونه سلطان‌زاده (۱۳۷۴) ساختار کالبدی و کارکردی حسینیه‌ها را به عنوان مراکز محلات در شهر نائین مورد بررسی قرار داده و مطالعاتی مشابه با این در سایر شهرهای تاریخی ایران (امین‌زاده، ۱۳۸۶) و همچنین گرگان نیز وجود دارد (موسوی سروینه باغی، ۱۳۹۴). باید در نظر داشت نقش عملکردی تکایا در محلات تاریخی شهرها نیز در این موارد قابل توجه هستند و این تکایا و مراکز محله‌ای، محل بروز و ظهور بسیاری از میراث ناملموس است.

موضوع میراث ناملموس و جایگاه آن در میراث فرهنگی از دیگر موارد مورد بحث عام هستند. پژوهش‌های متعددی متمرکز بر انواع متفاوت میراث ناملموس وجود دارند که هر کدام جنبه‌های متفاوتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی از آن‌ها بر مستندسازی انواع مختلفی از میراث ناملموس متمرکز شده‌اند. در موضوع معماری و حفاظت مستندسازی

دانش فنی ساخت و آیین‌ها، فرهنگ‌ها و رسوم، بیش‌ترین نمونه‌های قابل اشاره هستند. برخی نیز موضوع میراث ناملموس را در کنار دیگر موضوعات مورد تحلیل قرار داده‌اند. روش‌شناسی پژوهش و چگونگی برخورد با میراث ناملموس (رحیم‌نیا، ۱۳۹۴؛ مجیدی‌خامنه، ۱۴۰۰) و مستندسازی‌های همراه با تحلیل (میرتقیان رودسری و دیگران، ۱۴۰۱؛ هوشیار، ۱۳۹۶؛ Deacon, 2004; Yuan, 2008) و همراهی میراث ناملموس با موضوع گردشگری از موارد قابل اشاره در این زمینه هستند. میراث ناملموس در کنار تصویر ذهنی گردشگران (خیام‌نیا، ۱۳۹۴؛ مسعود، ۱۳۹۵)، ترویج و توسعه گردشگری خلاق (شاهی و خورشید، ۱۳۹۴؛ معززی مهرطهران و فاطمی، ۱۴۰۲)، گردشگری فرهنگی و زیارتی (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۵) و اقتصاد گردشگری (Ferrari, Guala, 2017) برخی از این نمونه‌ها هستند. این مطالعات نیز اگرچه موضوع حفاظت و میراث ناملموس در آن‌ها شاخص است؛ ولی کمتر آن را به عنوان محرک حیات مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها بیشتر تلاش کرده‌اند در کنار توجه به روش برخورد و حفاظت از میراث ناملموس، از آن برای معرفی قابلیت‌ها و توسعه حفاظت و گردشگری بهره ببرند.

در کنار مطالعات کلی اشاره‌شده، با نگاه خاص و متمرکز بر تکایای گرگان تاکنون مطالعات متنوعی انجام گرفته است. گروهی از آن‌ها تنها تکایای بافت تاریخی گرگان را مستند کرده‌اند. این مطالعات متمرکز بر معرفی ویژگی‌های کالبدی و ظرف معماری آن‌هاست که نگاهی مستندنگارانه داشته و یا به سیر تاریخی و تحولات کالبدی این تکایا پرداخته‌اند (موسوی سروینه باغی، ۱۳۹۴؛ مقسمی و همکاران، ۱۳۹۵). گروهی نیز زمینه‌های ارزشی تکایا و به خصوص آیین‌های آن‌ها را مورد دقت نظر قرار داده و بیشتر به معرفی این زمینه‌ها پرداخته‌اند (خرم‌رویی و دیگران، ۱۳۹۹؛ اخوان مهدوی، ۱۳۹۴؛ مقسمی و اسپو محلی، ۱۳۹۵). البته در معرفی این زمینه‌ها نیز تنوع وجود دارد و همگی تنها یک جنبه را مورد دقت نظر قرار نداده‌اند.

پژوهشگرانی مثل کتولی (۱۳۸۸)، نظیف (۱۳۹۰)، میرحسینی (۱۳۹۰)، لیوانی (۱۳۹۱)، مقسمی (۱۳۹۴) از مهم‌ترین مطالعات مرتبط در این زمینه هستند. این مطالعات همگی به

موضوع اهمیت تکایا در مراکز محلات پرداخته و در کنار آن موضوع نقش معنوی تکایا و عوامل اجتماعی و فرهنگی و همچنین زندگی جاری آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. این در حالی است که متمرکز بر میراث ناملموس جاری در این تکایا به‌طور خاص مطالعه‌ای انجام نشده است. نزدیک‌ترین مطالعه توسط آبسالان (بی‌تا) انجام شده که آن هم متمرکز بر تکایای گرگان بوده و بیشتر تلاش کرده آیین‌های مرسوم را معرفی و مستند کند. در نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهند اگرچه موضوع آیین‌ها و رسوم در گرگان و در تکایا به صورت موردی مدنظر قرار گرفته و از زوایایی به آن پرداخته شده ولی خاطرات جمعی و ارزش‌های تکایای گرگان به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. محدود منابع موجود درباره میراث ناملموس تکایای گرگان نیز متکی بر اقوال شفاهی هستند و بررسی و شناخت دقیق و منسجمی از میراث ناملموس گرگان ارائه نکرده‌اند، این موضوع ضرورت مطالعه‌ای کامل‌تر را نشان می‌دهد. مطالعه حاضر در کنار بازشناسی ارزش‌های ناملموس، موضوع کمک کردن آن‌ها به پابرجا ماندن کالبد معماری و ادامه حیات تکایای گرگان را نیز موردتوجه قرار داده که در مطالعات پیشین به آن پرداخته نشده است.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر راهبرد، به صورت کیفی و از نظر روش، تفسیری-تاریخی خواهد بود. محور بررسی این پژوهش در بافت تاریخی شهر گرگان به خصوص در محدوده تکایا به عنوان بخشی از مراکز فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر استرآباد (گرگان) است که محل آن‌ها در عکس ۱ مشخص شده است. از این منظر می‌توان این مطالعه را از نوع مطالعه نمونه موردی محسوب کرد که با تمرکز بر روی تکایا، موضوع میراث ناملموس آن‌ها موردتوجه قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات در این مطالعه کتابخانه‌ای و میدانی است. هم‌زمان با مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی کتیبه‌ها، متون نوشتاری، عکس‌های تاریخی و...، با افراد محلی و مطلع در خصوص خاطرات جمعی و

شنیده‌ها و حکایات و داستان گذشتگان مصاحبه‌های بدون ساختار انجام گرفته است.^۱ علاوه بر این با پژوهشگرانی که مطالعات دقیقی در خصوص تاریخ و آیین و رسوم تکایای گرگان داشته‌اند، گفتگوهای صورت گرفته و اطلاعات تکمیلی به دست آمده است.

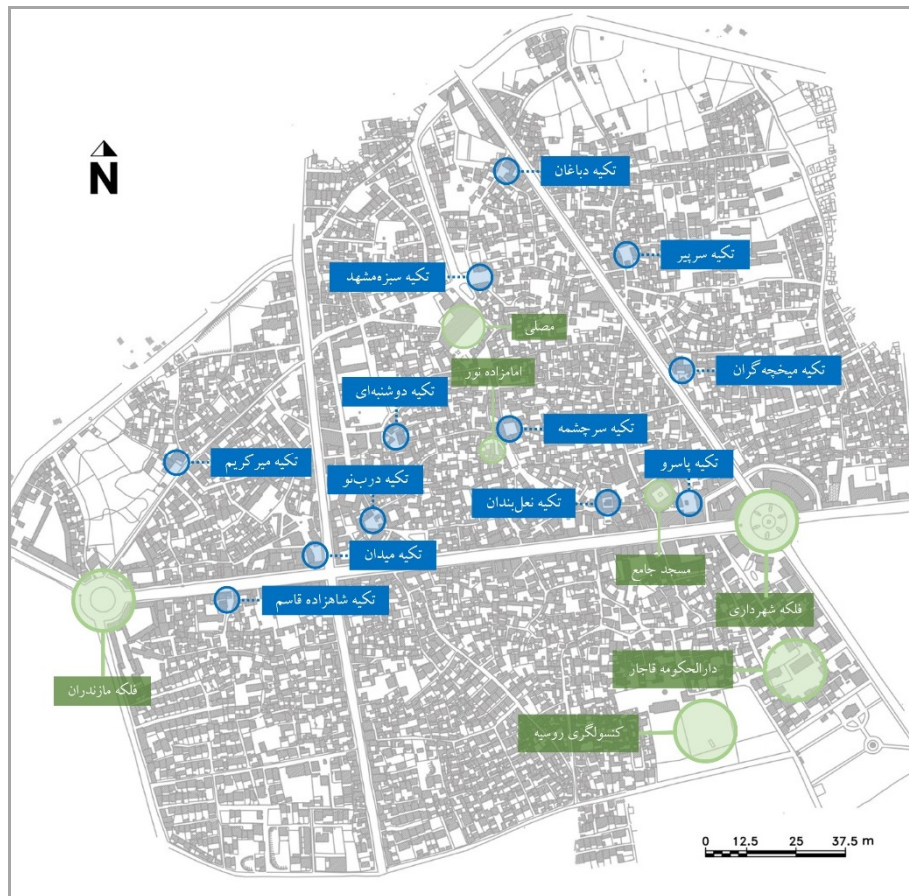
تکایای گرگان

گرگان شهر تکایاست. تکایای تاریخی شهر گرگان از لحاظ کالبد معماری و عملکردی با یکدیگر شباهت کلی دارند. در تمام محلات، تکایا به صورت مجموعه‌ای از چند بنای دوطبقه که اکثر آن‌ها در سه جهت جغرافیایی قرار گرفته‌اند و عرصه‌ای که در گذشته درخت چناری^۲ در آن بود، تشکیل شده‌اند. همچنین در کنار این فضاها، کاربری‌هایی مثل حمام، مدرسه، آب‌انبار، سقاخانه، مسجد و ... نیز قرار دارند.^۳ در حال حاضر دوازده تکیه تاریخی (با نام‌های: تکیه میدان، تکیه درب‌نو، تکیه دوشنبه‌ای، تکیه سرچشمه، تکیه نعل‌بندان، تکیه پاسرو، تکیه میخچه‌گران، تکیه سرپیر، تکیه دباغان، تکیه سبزه‌مشهد، تکیه میرکریم، تکیه شازده‌قاسم) در بافت تاریخی شهر گرگان وجود دارد (عکس ۱).

۱. از آن جمله می‌توان به مصاحبه‌هایی که در محرم ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ با متولیان تکایا (آقایان: کاویانی، مردمومن، رضایانی، حسین‌زاده، خیام، مساوات) که از خانواده‌های اصیل و قدیمی شهر گرگان هستند به عنوان افراد مطلع از آداب و رسوم تکایای گرگان و همچنین تغییرات کالبدی، عملکردی و آیین‌های موجود در برخی تکیه‌ها، اشاره کرد.

۲. درخت چنار از نمادهای محلات گرگان است. از بین درختان چنار محلات قدیمی گرگان، فقط چنار محله سبزه مشهد و میخچه‌گران باقیمانده که البته چنار میخچه‌گران قدمتی مشابه درخت سبزه مشهد ندارد. درخت چنار کهنسال که در میخچه‌گران در سال ۱۳۵۰ خورشیدی قطع شده و در همان سال‌ها درخت چنار دیگری جای آن کاشته می‌شود.

۳. در گرگان هم به کل این مجموعه معماری «تکیه» گفته می‌شود و هم به تک‌تک فضاهای بسته با کاربری تکیه پیرامون میدانگاهی وسط و هم به خود فضای میدان مانند و در واقع مفهوم «تکیه» با مفهوم «میدان» یا در واقع «مرکز محله» یکی شده است (کتولی، ۱۳۸۸: ۵۰-۵۱؛ میرحسینی، ۱۳۹۰: ۳۵؛ مقسمی، ۱۳۹۴: ۴۶).



عکس ۱- جانمایی تکایا و برخی از بناهای شاخص در شهر تاریخی گرگان.
منبع نقشه: مهندس مشاور خودآوند ۱۳۹۰. بازترسیم (نگارندگان، ۱۴۰۲).

تکایا مرکز محلات بافت تاریخی گرگان را شامل می‌شوند و به عبارتی پاتوق مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... هستند. میدان، تکیه و حسینیه به مفهوم فضای شهری - محله‌ای یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده مراکز محلات بوده‌اند. تکایا از نظر تاریخی، معماری، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارای ارزش و اصالت هستند و پیرامون آن‌ها اتفاقات اجتماعی و اقتصادی فراوانی از گذشته تا به امروز رخ داده است. نکته قابل توجه اینکه اولین مدرک ثبت شده از وجود تکیه در ایران به سال ۱۷۸۶ م به همین

شهر بازمی‌گردد (امین‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۰). علاوه بر این اشارات مرتبط در سفرنامه رایینو (۱۳۸۳: ۱۰۷ و ۲۷۷)، توصیفات ساموئل پترسون^۱ (۱۹۷۹) و همچنین کتیبه تکیه دباغان (رایینو، ۱۳۸۳: ۱۲۱؛ ستوده، ۱۳۷۷) نشان از سابقه وجودی و ارزش خاص تکایا در این شهر تاریخی دارد.

تکایای گرگان نقش قابل‌توجهی در پویایی و حفظ حیات بافت تاریخی شهر ایفا کرده‌اند. این فضاها به جز کاربری مذهبی در ماه‌های محرم و صفر، مکانی برای جمع شدن اهالی محل و شهروندان گرگانی هستند و در این ایام به صورت پاتوقی جهت گردهمایی از غروب تا طلوع خورشید عمل می‌کنند. در ماه‌های دیگر سال نیز پاتوق محلی با کاربری اقتصادی و رخدادهای اجتماعی هستند. همان‌طور که اشاره شد این مراکز محله‌ای شامل فضاهای معماری متعددی بوده که تکیه‌ها بخشی از آن‌ها هستند. پیرتکیه^۲ فضایی عمومی است و مالکیت دیگر تکایا در هر محله معمولاً به صورت وقفی بوده و متولی مشخص دارند که اغلب متولی آن‌ها خانواده‌های اصیل گرگانی^۳ هستند. این ساختار کلی نشان می‌دهد مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قابلیت‌ها در این تکایا حضور و بروز دارند که باید به آن‌ها پرداخت. در این راستا توجه و خوانش قابلیت‌ها، ارزش‌ها و میراث فرهنگی ناملموس به‌جامانده و حتی از بین رفته تکایای گرگان، به جهت حفاظت از آن‌ها ضرورت دارد و حداقل نتیجه این بازخوانی کمک به پویایی و رونق بیشتر بافت تاریخی گرگان خواهد بود.

۱. Peterson, Samuel

۲. همان‌طور که اشاره شد تکایا در گرگان مجموعه‌هایی از چندین فضای معماری با کاربری تکیه و یا حتی فضاهایی با دیگر کاربری‌ها در کنار هم هستند. در این بین «پیرتکیه» به تکیه‌ای گفته می‌شود که معمولاً بزرگ‌تر از سایر تکایا در مجموعه است و به لحاظ جایگاه معمولاً در جهتی از دورتادور میدان قرار دارد که هنگام ورود به داخل میدان بیشترین جلب توجه را می‌کند (لیوانی، ۱۳۹۱؛ میرحسینی، ۱۳۹۰: ۳۵؛ مقسمی، ۱۳۹۴: ۵۶).

۳. هر خانواده‌ای که متولی تکیه‌ای بود خود را ملزم می‌دانست که در نزدیکی تکایا خانه داشته باشد و این امر را گاهی مقدس می‌پنداشتند (مقسمی، ۱۳۹۴: ۸۱).

میراث ناملموس تکایای گرگان

تنوع میراث فرهنگی ناملموس در استان گلستان و شهر گرگان بسیار فراوان است؛ اما به دلیل محدودیت حجم محتوا، در این پژوهش تنها به آیین‌ها و مناسک مذهبی (میراث فرهنگی ناملموس) شهر گرگان در نسبت با تکایا، پرداخته شده است. آنچه در اسناد تاریخی شهر استرآباد، در خصوص قدمت برگزاری مراسم آیینی محرم برجا مانده با استناد به تاریخ توق تکیه صاحب‌اختیاری محله نعل‌بندان (۱۱۳۱ ه.ق) و همچنین کتیبه دیگری به تاریخ ۱۱۵۵ هجری قمری که در تکیه محله دباغان وجود داشته (یک رشته قنات برای تعزیه‌داری امام حسین (ع)، امام رضا (ع) و امامزاده عبدالله وقف شده است) به اواخر دوران صفوی برمی‌گردد (رابینو، ۱۳۸۳: ۲۷۷). این آیین‌ها و مناسک مذهبی با برخی تغییرات تا به امروز در دل تکایای گرگان جاری بوده و هست.

بر اساس یافته‌های نگارندگان در خصوص میراث فرهنگی ناملموس مرتبط با تکایای گرگان، آیین و رسومی مشابه شهرهای دیگر ایران و همچنین آیین‌های مخصوص و ویژه محرم در تکایای این شهر وجود دارد. مواردی مثل توق‌بندان، پامنبری، دسته‌گردانی، دسته‌چوبی، صبح‌روسیاه و شامغریبان، تعزیه زنان (آیین گفتگو)، اطعام‌دهی، اسکان فقرا و مسافرین و سربازان در تکایا، حلیم‌پزی و همچنین انجام مراسم هنری بخش مهمی از میراث ناملموس و آیین‌های تکایای گرگان هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

الف) رسم توق‌بندان

رسم توق‌بندان یا پاتوقی یکی از اصیل‌ترین آیین‌های بجا مانده محرم در گرگان است که از عوامل اصلی زنده نگه‌داشتن آیین عاشورایی و میراث فرهنگی ناملموس ایام سوگواری در این شهر است. علم‌های تک‌شاخ به نام توق^۱ که از پایه بلند چوبی و تاج (شامل قطعات برنجی با آیات حکاکی شده از قرآن)^۲ تشکیل شده‌اند و هر کدام از

۱. توق که به صورت طوق و توغ هم آمده واژه‌ای ترکی به معنای بیرق و علم است. توق نمادی از علم حضرت ابوالفضل (ع)، علم‌دار کربلاست و برپاداشتن آن به معنای برپاداشتن بیرق ابوالفضل (ع) است (میرحسینی، ۱۳۹۰: ۴۵).

۲. پایه چوبی با حدود ۳ تا ۴ متر ارتفاع و قطر ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر در انتها و حدود ۶ سانتی‌متر در محل اتصال با بخش فلزی (تاج) و تاج شامل تنوره قیفی شکل برنجی، چهار پر مشبک برنجی، سینی‌های مشبک یا ساده برنجی، مکعب برنجی توخالی ساده یا مشبک، قپه‌ها یا گوی برنجی، تیغه فولادی و تزیینات دیگر است (میرحسینی، ۱۳۹۰: ۴۵).

تکیه‌های محله می‌تواند یک توق داشته باشد.^۱ مراسم توق‌بندان با شماره ۴۳۱ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۷ خورشیدی به عنوان میراث ناملموس در فهرست آثار ملی ثبت شده است. توق‌ها و علم‌ها برجای مانده از فرهنگ پرچم‌داری^۲ در جنگ‌های قرون گذشته است. شب قبل از پاتوقی هر محل، اهالی تکایای محل دسته‌گردانی راه می‌اندازند و محله به محله بافت تاریخی را دور می‌زنند. برگزاری آیین توق‌بندان نیز بر اساس تقسیم‌بندی محلات اصلی و فرعی انجام شده و بدین صورت است که توق‌بندان تکایای هر چند محله مشخص در یک روز برگزار می‌شوند.

مراسم توق‌شوران روز قبل از توق‌بندان توسط بانوان صورت می‌گیرد که با آب نارنج یا رب انار یا سرکه بخش‌های فلزی شسته می‌شوند تا رنگ برنج یا مس شفاف، براق و جلادار شود و در آخر برای خوش‌بو و معطر شدن با گلاب شستشو صورت می‌گیرد (رضایانی، ۱۴۰۲؛ مقسمی و اسپومحلی، ۱۳۹۵: ۷۳). باتوجه به اینکه حضور زنان همیشه در تکایا ممنوع بود تنها مراسمی که حضور زنان در آن وجود داشته مراسم توق‌بندان بوده است. این آیین باتوجه به قدیمی‌ترین توق تاریخ‌دار موجود، از دوران صفویه آغاز شده و از آن زمان تاکنون علم و توق‌ها در هر محله به عنوان سند شناسایی آن محله به حساب می‌آید^۳ (تصویر ۲ و ۳). این توق‌ها تا پایان ۲۸ ام ماه صفر در تکیه‌ها باقی مانده و در این روز طی مراسمی توق‌ها جمع‌آوری و به مکان‌های اولیه نگهداری خود، بازگردانده می‌شوند.

۱. هر محله دارای یک تکیه به مفهوم عام است و هر کدام از تکایای محلات، خود متشکل از تکایای متعدد خانوادگی یا صنفی هستند و در بین مجموعه تکایای یک محله برخی از آن‌ها دارای توق و برخی فاقد توق هستند (مقسمی و اسپومحلی ۱۳۹۵: ۷۲).

۲. در گذشته علم‌ها و پرچم‌ها به عنوان نماد یک گروه، سپاه یا لشکر به حساب می‌آمدند و معمولاً وظیفه نگهداری و حفظ آن بر عهده دلاورترین مردان این گروه قرار می‌گرفت. امروزه مراسم‌های مرتبط با توق و علم و پرچم برای زنده نگاه داشتن یاد قمر بنی‌هاشم که پرچم‌دار کربلا بود، به عنوان یکی از آیین‌های عاشورایی اجرا می‌شود.

۳. قدیمی‌ترین توق تاریخ‌دار مربوط به تکیه صاحب اختیاری در محله نعل‌بندان است که تاریخ ۱۱۳۱ ه.ق بر آن حک شده و متعلق به دوره صفوی است (میرحسینی، ۱۳۹۰: ۳۷؛ مقسمی، ۱۳۹۴: ۷۷). بعد از آن توق‌های دیگری نیز ساخته شده که یکی از آنها به توق سه‌چله معروف است و با اینکه تاریخ حکاکی شده ندارد ولی اقوال شفاهی (رضایانی، ۱۴۰۲ و میرحسینی، ۱۴۰۲)، آن را به دوره قاجار منتسب می‌دانند.



عکس ۲- برخی اجزای برنجی توق (تاج)

سمت راست: توق میخچه‌گران (نگارندگان، ۱۴۰۲) / سمت چپ: توق نعل‌بندان (میرحسینی، ۱۳۹۰)



عکس ۳- توق کامل شده سه‌چله در تکیه میخچه‌گران (عکس: خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۲)؛

چپ: اجزای تاج توق سه‌چله (رضایانی، ۱۴۰۲)

ب) آیین پامنبری

مراسم پامنبری^۱ یا چهل منبره در شب عاشورا (شب قتل) کوچه به کوچه انجام می‌شود. در چنین شبی خانواده‌ها که به صورت ارثی منبر در منازل می‌گذاشتند، منبری را در گوشه حیاط خود قرار داده و بر روی آن شمع روشن می‌کنند و همچنین ظرف پر از قورمه‌سبزی و پارچی پر از شربت بر روی منبر قرار می‌گیرد که مرتب پر می‌شود. کسانی که پای منبر می‌آیند فاشقی قورمه‌سبزی و لیوانی شربت می‌خورند. اشخاصی که در شب چهل منبر شرکت می‌کنند غالباً افرادی هستند که حاجت یا نیتی دارند. آن‌ها پابره‌نه به چهل منبر در چهل خانه سر می‌زنند و بر هر منبر شمعی را روشن می‌کنند تا حاجت آن‌ها برآورده شود. عده‌ای سر یا شانه خود را گِل مالی می‌کنند، عده‌ای نیز معتقدند که از اول منبر تا چهلمین منبر نباید لام تا کام با کسی صحبت کنند. کوچه به کوچه شهر استرآباد در شب چهل منبره مملو از مردم به ویژه زنان و دختران است (معطوفی، ۱۳۷۴: ۲۱۱). آن‌گونه که در پرونده ثبتی این آیین (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ۱۳۹۱ الف) اشاره شده به‌طور کلی فلسفه وجودی اجرای این مراسم در شهر گرگان به‌طور دقیق مشخص نیست؛ اما با توجه به برخی شواهد می‌توان گفت که اجرای این گونه مراسم مذهبی نیز از دوره صفوی قوت گرفته است.

یکی دیگر از غذاهایی که در این مراسم توسط صاحبان منبر و نذرکنندگان پخته و توزیع می‌شود، غذای سنتی گرگان به نام ساک^۲ است. این مراسم هم‌اکنون در بافت تاریخی گرگان در بیش از یک‌صد خانه برپا و برقرار است و نکته جالب اینکه برخی

۱. در لاهیجان، خرم‌آباد، بروجرد، و بیرجند رسمی همانند چهل منبر با تفاوت‌های کوچکی در نحوه اجرا با رسم پامنبری گرگان برگزار می‌شود (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ۱۳۹۱ الف).

۲. خورشت ساک یکی از خورشت‌های سنتی و قدیمی شهر گرگان است که برای مجالس خاص و یا مراسم مذهبی طبخ می‌شود. این خورشت مانند خورشت قورمه‌سبزی است؛ اما مواد اصلی آن به‌جای سبزی خورشتی، اسفناج است. اسفناج، گوشت خورشتی، آب نارنج، نخود، پیاز، سیر، نعناداغ و ادویه (نمک، فلفل، زردچوبه) مواد تشکیل‌دهنده خورشت ساک هستند. گوشت این خورشت پس از پخت ریش‌ریش می‌شود و پوست نخودها نیز پس از پخت گرفته و به خورشت اضافه می‌شوند.

متولیان که اکنون در بافت تاریخی زندگی نمی‌کنند منبرهای خود را به محله‌های نوساز شهر برده و بر حسب سنت این آیین را برپا می‌دارند (میرحسینی، ۱۳۹۰: ۴۷). گفتنی است آیین «پامنبری» یا «چهل‌منبر» به شماره ۵۵۰ در تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۲۰ خورشیدی به عنوان میراث ناملموس به ثبت آثار ملی رسیده و همچنان از رسوم مردم گرگان است که در محلات قدیمی و حتی محلات جدید گرگان، با شکوه خاصی برگزار می‌شود (عکس ۴). این آیین یکی دیگر از آیین‌هایی است که باتوجه به گسترش اجرای آن در سطح شهر اما همچنان به سبک و شیوه سنتی اجرا می‌شود و یکی از رسوم استثنایی است که گواه بر زنده ماندن فرهنگ ناملموس عاشورا است. در گذشته برای سپید بختی دختران نوعروس، خانواده داماد یک کله‌قند، پارچه ترمه دوزی شده و شمع به پای منبر می‌آوردند و شمع‌ها را به پایه منبر می‌بستند و کله‌قند را برای استفاده در شربت به خادم منبر تحویل می‌دادند (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ۱۳۹۱ الف).



عکس ۴- مراسم پامنبری در گرگان (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷)

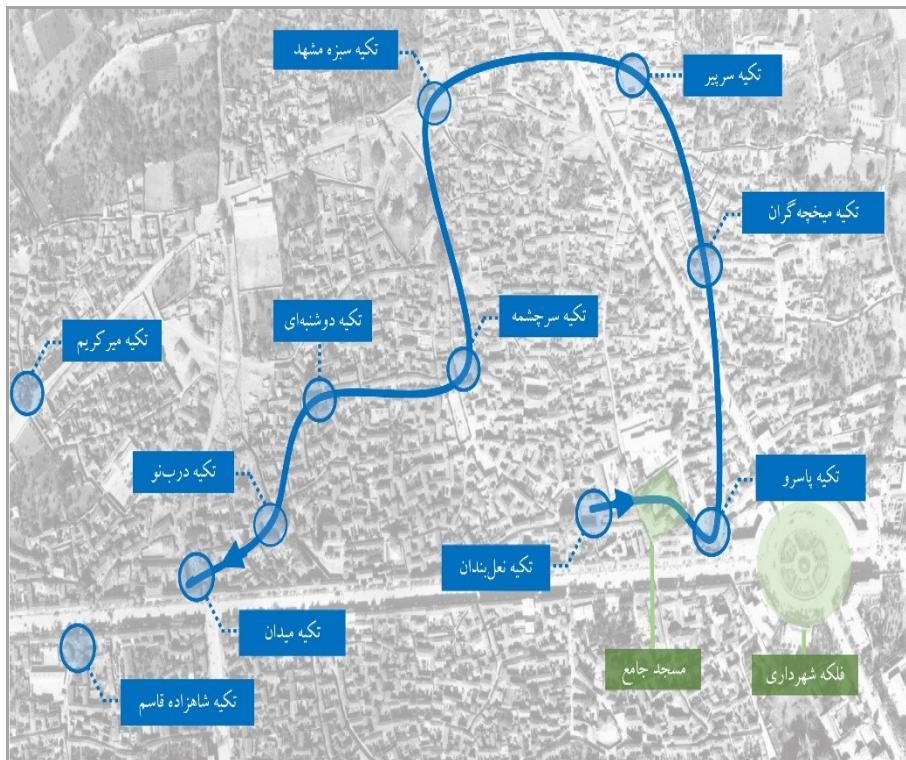
ج) رسم دسته‌گردانی

رسم دسته‌گردانی از دیگر آیین‌های دهه اول محرم شهر گرگان است که با تفاوت‌های جزئی از دیگر شهرها در گرگان اجرا می‌شود. مقصود لو (۱۳۶۳: ۷۲۶) توصیفاتی را از این مراسم در دوره قاجار ارائه کرده و مقسمی (۱۳۹۴: ۷۴) شیوه برگزاری آن را این‌گونه روایت کرده است: دسته‌های عزاداری ابتدا وارد میدان توپخانه می‌شدند و بعد از آن به داخل دیوان‌خانه آقا محمدخان می‌رفتند. حاکم وقت بر روی ایوان دیوان‌خانه می‌نشست و به اولین دسته‌ای که وارد می‌شد خلعت می‌داد که همین مسئله باعث درگیری میان دسته‌ها جهت گرفتن خلعت می‌شد. بعدها امیراعظم یکی از حکام وقت این رسم را منسوخ کرد و به همه دسته‌ها زمان ورود به دیوان‌خانه خلعت می‌داد.

دسته‌های عزا در گذشته تا قبل از وجود تکایا به جای چرخش به داخل محوطه میدان تکایا به داخل مدارس (محسنیه، دارالشفاء، رضویه، صالحیه و سادات) وارد می‌شدند و سپس به مصلی می‌رفتند و مراسم در این مکان به اتمام می‌رسید. اما در دوره‌های بعد با ساخت تکایا، داخل محوطه آن‌ها که جهت اجرای مراسم تعزیه ساخته شده بودند، مراسم دسته‌روی اجرا می‌شد. در حال حاضر رسم دسته‌گردانی یا همان دسته‌روی با تغییر جزئی در مسیر حرکت اوایل قاجار و با حضور پرشور مردم در محلات تاریخی گرگان به صورت چرخش در بین تکایای محلات در روزهای مشخص صورت می‌گیرد^۱ (عکس ۵). آیین دسته‌گردانی از شب سوم تا شب هشتم محرم در بافت تاریخی گرگان اجرا می‌شود^۲ و نمونه برجسته آیین عزاداری محرم است. این رسم یکی از گواه‌های اجرای سنت فرهنگی-مذهبی عاشورایی در گذشته است که با توجه به تغییرات کوچک همچنان زنده و پویا است.

۱. در شهر کرمان نیز مسیری وجود داشته که دسته‌های عزاداری در محله آن را طی می‌کرده و از یک تکیه به تکیه‌ای دیگر می‌رسیدند. در این خصوص مطالعه گفتگوی مریم فدایی قطبی در شماره ۸۱۹ هفته‌نامه استقامت، مورخ چهار مرداد ۱۴۰۲ با عنوان مردم مایل به عزاداری در بافت تاریخی هستند، پیشنهاد می‌شود.

۲. برای اطلاع بیشتر درباره این رسم در روزهای مختلف و تکایای ویژه آن نگاه کنید به (محمدی، ۱۴۰۲: ۸۵-۹۰).



عکس ۵- جانمایی مسیر حرکت دسته روی در شب پنجم محرم بر روی عکس هوایی گرگان
منبع عکس: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گرگان. بازترسیم (نگارندگان، ۱۴۰۲)

د) آیین دسته چوبی

مراسم دسته چوبی یکی از مراسم ویژه محرم گرگان است که در شب دوازدهم صورت می گیرد. عزاداران در دسته چوبی به سه گروه مشعل داران، چوب به دستان و سینه زنان تقسیم می شوند که با ذکر اشعاری این مراسم را برگزار می کنند.^۱ مقصود لو

۱. اشعار اجرای مراسم دسته چوبی عبارتند از: مدد یا علی، علی یا مدد؛ حیدر حیدر؛ ای اهل عزا خدانگه دار؛ ما غلامان علی چو به دوران می زنیم/تیر بر فرق یزید نامسلمان می زنیم؛ از گردن خود دین ادا می کنم امشب/جان را به فدای شهدا می کنم امشب. همچنین برای گرفتن مواد آتش زاقبل از شروع مراسم شعر «نفت بده، کهنه بده، زیرانداز/ نذر حسین عباس/ هرچی دارین در آیین/ نذر حسین بیارین» را می خوانند (وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ۱۳۹۱ ب).

(۱۳۶۳: ۷۲۶) از برگزاری این مراسم در دوره قاجار اطلاعاتی ارائه کرده است. این مراسم ابتدا در تمام محلات انجام می‌شد. به مرور زمان این رسم در دیگر محلات به دست فراموشی سپرده شد و تنها در محله میخچه‌گران انجام می‌شود (عکس ۶). محله مذکور نقش مهمی در زنده ماندن این آیین تا به امروز داشته و در سال‌های اخیر باعث ترغیب دیگر محلات در احیای این آیین شده است. در حال حاضر محلات میخچه‌گران، سرپیر، دباغان و سبزه مشهد گرگان این رسم را اجرا می‌کنند و شروع حرکت مراسم دسته‌چوبی از محله میخچه‌گران است. با اینکه رسم دسته‌چوبی مانند گذشته در تمامی بافت قدیم گرگان اجرا نمی‌شود به دلیل خاص بودن این رسم در شهر گرگان و حراست از این آیین ناملموس، در فهرست آثار ملی میراث ناملموس کشور به شماره ۶۸۰ مورخ ۹۱/۹/۲۲ به ثبت رسیده است.



عکس ۶- مراسم دسته‌چوبی در گرگان سمت راست: دوران ناصرالدین‌شاه قاجار چپ: امروزه در تکیه میخچه‌گران (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گرگان).

ه) رسم صبح‌روسیاه و شام‌غریبان

در روز عاشورا گرگانی‌ها رسم صبح‌روسیاه را برگزار می‌کنند که با عزا و ذکر مصیبت از خورشید (روز) می‌خواهند که طلوع نکند و این داغ را بر دل سوگواران نگذارد

و با سینه‌زنی و زنجیرزنی به ادامه سوگواری می‌پردازند.^۱ تعدادی از مردم برای برگزاری آیین صبح‌روسیاه شب را در تکایا سپری می‌کنند و خودشان را برای سحر آماده می‌کنند.^۲ مراسم شام‌غریبان نیز در غروب عاشورا با اجرای تعزیه‌خوانی و آتش‌زدن خیمه برگزار می‌شود. پس از اذان مغرب و عشاء با حضور پرشور اقشار مختلف جامعه، با روشن کردن شمع مراسم شام‌غریبان را در همدردی با حضرت زینب (س) و بازماندگان روز عاشورا برگزار می‌کنند و با خواندن ذکر مصیبت یاد پیکر شهیدان به خاک و خون کشیده کربلا را به تصویر می‌کشند.

(و) تعزیه زنان (آیین گفتگو)

تعزیه به عنوان هنرهای نمایشی یکی از عناصر تعریف‌شده در میراث فرهنگی ناملوس است که در نوع خود نبوغ و خلاقیت ویژه‌ای دارد. این هنر در گذشته به غیر از اجرا توسط مردان، توسط بانوان نیز اجرا می‌شد که معروف به تعزیه زنان^۳ بود و در حال

۱. در این مراسم معمولاً از اشعار زیر استفاده می‌شود: ای صبح روسیاه به چه رو شوی سفید در دشت کربلا/ امروز حسین تشنه‌جگر می‌شود شهید فریاد از این عزا؛ ای صبح گر طلوع کنی در تو صبح غم از ظلم و ستم/ امروز سر حسین بشود سر نیره‌ها فریاد از این عزا؛ شیون و شین است قتل حسین است/ یاران و اوایلا یاران و اوایلا؛ شیون عام است قتل امام است/ یاران و اوایلا یاران و اوایلا؛ امشب را شه دین در حرمش مهمان است، مکن ای صبح طلوع/ عصر فردا بدنش زیر سم اسبان است، مکن ای صبح طلوع و... (رضایانی، ۱۴۰۲؛ کاویانی، ۱۴۰۲).

۲. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده نگارندگان در برخی استان‌ها و شهرها مثل طبس و سه‌قلعه در خراسان جنوبی، بوشهر، مازندران، دامغان، خرقان، خرائق در یزد، نائین، ماهشهر، گناوه، گیلان، بروجرد، ایبانه و سوهانک نیز آیینی مشابه با صبح‌روسیاه اجرا می‌شود.

۳. بر اساس تحقیقات به‌عمل‌آمده نگارنده در شهرهای دهلران، رشت، نیشابور، بوشهر و قزوین همچنان تعزیه زنان اجرا و به نمایش درمی‌آید. تعزیه زنان ابتدا در دربار قاجاریه شکل گرفت. نخست قمرالسلطنه دختر فتحعلی‌شاه، بانی آن شد سپس از سوی عزت‌الدوله خواهر ناصرالدین‌شاه اجرای تعزیه زنانه در دربار دنبال و توسط انیس‌الدوله به صورت دائمی و منظم شد. انیس‌الدوله از زنان خارجی که به ایران می‌آمدند برای دیدن تعزیه زنانه دعوت کرد تا جایی که هم‌اکنون بخشی از منابع محدود درباره تعزیه زنانه دست‌نوشته همان زنان خارجی است. به‌طور مثال می‌توان به سفرنامه کارلاسرنا (Carla Serena) جهانگرد ایتالیایی اشاره کرد که درباره علاقه انیس‌الدوله به تعزیه می‌گوید: ملکه به آن دل‌بستگی خاصی نشان می‌داد و جزئیات حوادث را می‌گفت برای من شرح دهند و به نظر می‌رسید با موضوع نمایش آشنایی کامل دارد. او و همچنین سایر خانم‌های همراهش از تماشای صحنه‌های تعزیه سخت متأثر

حاضر در بیشتر شهرها به دست فراموشی سپرده شده است. سببه اجرای تعزیه در گرگان حداقل به دوره قاجاریه بازمی‌گردد^۱ (عکس ۷). در شهر تاریخی گرگان تعزیه زنان را در فصل بهار و بیشتر روزهای بلند سال اجرا می‌کردند. در محرم روضه‌خوانی انجام می‌شد، مگر اینکه محرم در فصل بهار و تابستان بود و تعزیه نیز در آن زمان انجام می‌شد اما در اصل تعزیه مخصوص فصل بهار بوده است. در زمان محرم، بانوان گرگانی در کنار روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی، گفتگو^۲ به جای تعزیه اجرا می‌کردند.

لازم به ذکر است که آئین گفتگو خاص مراسم زنانه بود و در مراسم مردانه هیچ جایگاهی ندارد. انجام روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی بانوان در ایام محرم و صفر معروف به مجلس عشوری^۳ (روضه زنان) بود. مراسم روضه‌خوانی زنانه در استرآباد پا به پای مراسم مردانه برگزار می‌شد و در دو بخش عمومی و زنانه به اجرا درمی‌آمد. مراسم عمومی که در آن زنان و مردان شرکت داشتند. مراسم زنانه که ویژه زنان بود و تنها مردی که ممکن بود در بین زنان حاضر شود روحانی روضه‌خوان بود (محمدی، ۱۴۰۲: ۸۲-۸۴).

شده بودند. همه آن‌ها بر مصائبی که بر بزرگان دینشان گذشته است، به شدت اشک می‌ریختند (سرن، ۱۳۶۲: ۱۷۶). در تعزیه‌های زنانه دوران قاجار همه تعزیه‌ها را هم می‌خواندند؛ یعنی صرفاً تعزیه‌هایی که زن در آن نقش محوری داشت را نمی‌خواندند؛ اما مردپوش داشتند.

۱. وقف‌نامه‌ای از تکیه صاحب‌اختیاری در آرشینو شخصی جلال داوری وجود دارد که در متن آن به وقف یک دانگ از دو درب دکان بر تعزیه سیدالشهدا در تکیه نعل‌بندان اشاره شده است. تاریخی که در متن وقف‌نامه وجود دارد سال ۱۲۵۰ را اشاره کرده و عکس آن را مقسمی (۱۳۹۴: ۱۲۵) در پیوست آورده است.

۲. در گفتگو همان متون و اشعار تعزیه، بدون اجرای نقش خواننده می‌شد و فقط بعضی از قسمت‌های آن به اجرا در می‌آمد. یکی از تفاوت‌های تعزیه با گفتگو در تعداد افراد اجراکننده و استفاده از ابزار و ادوات بوده است.

۳. در مراسم عشوری روی منبرها فقط روضه و مصیبت خوانده می‌شده و سخنرانی صورت نمی‌گرفته است. روحانی اصلی (آخوند) به همراه شاگردانش حدود ۱۰ تا ۱۲ نفر برای اجرای مراسم به خانه‌های وقفی می‌رفتند اما در زمان پهلوی اول اجرای این مراسم ممنوع بوده و به همین دلیل ایشان به صورت پنهانی به صورت تک‌نفره به خانه‌ها می‌رفتند و روضه‌خوانی می‌کردند.



عکس ۷- بانوان تعزیه‌خوان دوران قاجار

(آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گرگان)

ز) رسم اطعام‌دهی

از دیگر مراسم تکایای گرگان، اطعام‌دهی است. از اول محرم تکایا دایر شده و به قول معروف چراغشان روشن است. معمولاً پیرتکیه‌ها به واسطهٔ موقوفاتی که دارند اطعام کرده و سهم تکیه‌های گوشواره^۱ را هم می‌رسانند اما تا غروب روز سوم برنامهٔ خاصی اجرا

۱. در دو طرف پیرتکیه فضاهایی با ته‌رنگ مستطیل‌شکل و دوطبقه وجود دارند که در گذشته طبقه بالا به صورت ایوان بوده و طبقه پایین فضایی بسته بوده است. از دوره پهلوی دوم فضای نیمه‌باز طبقه بالای پیرتکیه‌ها بسته شدند و این فضاها به نام گوشواره شناخته می‌شوند. این فضاها پیش‌ازاین با یک ارسی به فضای داخل پیرتکیه دید داشتند که در حال حاضر این ارتباط در اغلب آنها از بین رفته است. در حال حاضر تکیه کاویانی محله میخچه‌گران و پیرتکیه

نمی‌شود لیکن همه اهالی محل در تکیه‌ها هستند (میرحسینی، ۱۳۹۰: ۴۴). اهمیت اطعام‌دهی را می‌توان در مفاد بسیاری از وقفنامه‌ها دنبال کرد چراکه در بسیاری از این اسناد درباره نحوه پذیرایی و اطعام‌دهی به عزاداران در گرگان صحبت شده است (ستوده، ۱۳۷۷: ۲۵۲؛ مقسمی، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۴). به نقل از اهالی گرگان در مراسم اطعام‌دهی و هم‌نشینی عزاداران در گذشته جای و قلیان در محل تکیه به افراد حاضر داده می‌شد و مراسم تا اذان صبح ادامه داشته است و افراد پس از خواندن نماز صبح به خانه‌های خود بازمی‌گشتند. در حال حاضر مدت زمان (ساعت) انجام این رسم تغییر کرده اما هدف اصلی آن که اطعام عزاداران و فقرات همچنان پابرجا مانده و وجود فضای فرهنگی و معنوی این آیین یکی از نشانه‌های اصلی میراث فرهنگی ناملموس در آن است.

ک) اسکان فقرا و مسافرین و سربازان در تکایا

بنا به مطالعات تاریخی و حتی گفته‌های اهالی بافت تاریخی گرگان، در گذشته تکایای این شهر مکانی برای اسکان فقرا، سربازان، مسافران و در راه ماندگان بوده است. اسکان سربازان در تکیه‌های شهر استرآباد (بیت، ۱۳۶۵: ۲۵۹)؛ اطراق قشون نظامی در تکیه نعل‌بندان (مقصود لو، ۱۳۶۳: ۴۲)؛ اقامت فریزر^۱ و هلمز^۲ در منزلگاهی در استرآباد که هم محل استراحت بی‌خانمان‌ها و هم محل برگزاری مراسم تعزیه بوده (Peterson, 1979) نمونه‌هایی از موارد ذکر شده در این باره هستند. از سوی دیگر در دوران قاجار پیرتکیه‌ها که اصلی‌ترین تکیه هر محله و وقف عام بودند به مکان استقرار در راه ماندگان تبدیل می‌گشتند. همچنین در بسیاری از اقوال شفاهی بیان شده است که افرادی از روستاهای اطراف به منظور خرید و فروش در بازار استرآباد به شهر می‌آمدند و شب را در تکایا

محله دوشنبه‌ای شکل اصیل خود را حفظ کرده و سقف تکیه مرکزی آن با ارتفاع دوطبقه باقی‌مانده و دو گوشواره در طرفین توسط پنجره از بالا به داخل تکیه مرکزی دید دارند (محمدی، ۱۴۰۲: ۳۹؛ مقسمی، ۱۳۹۴: ۵۶).

1. James Fraser
2. William Richard Holmes

میراث فرهنگی ناملوس، بن مایه بقا و حیات...، محمدی و همکاران | ۱۶۳

می‌گذرانند (مقسمی، ۱۳۹۴: ۸۷). گفتنی است در دهه‌های اخیر تعدادی از اتاق‌های تکایای سبزه مشهد و سرچشمه محل زندگی خانواده‌های تنگدست و کم‌بضاعت بود.

ل) رسم حلیم‌پزی

از دیگر رسوم ایام محرم در تکایای شهر گرگان، مراسم حلیم‌پزی است که در شب تاسوعا انجام می‌شود. در این مراسم از شب تا اذان صبح دیگ‌های متعددی برای پخت حلیم‌ها بار گذاشته می‌شوند و اهالی محل و دیگر افراد غیر محلی به هم زدن دیگ‌ها برای قبول نذر خود مشغول می‌شوند (عکس ۸). از زمان پخت تا اذان صبح با قرائت زیارت‌نامه^۱، مدیحه‌سرایی^۲ و چاوش‌خوانی^۳ مراسم ادامه دارد. معمولاً پس از اذان صبح حلیم پخته شده میان افرادی که برای گرفتن نذری آمده‌اند توزیع می‌شود.



عکس ۸- مراسم حلیم‌پزی در گرگان (نگارندگان، ۱۴۰۲)

۱. زیارت‌نامه متنی است که به قصد زیارت معصومان، امامزادگان و یا برخی بزرگان دین خوانده می‌شود. متن زیارت‌نامه بیشتر جنبه دعایی دارند و از بااهمیت‌ترین آنها می‌توان به زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره، زیارت آل یاسین و... اشاره کرد.

۲. مدح اهل بیت در غالب شعر یکی از شیوه‌های مرثیه‌سرایی و ستایش در ایران پس از اسلام است.

۳. نوعی آواز مذهبی مخصوص بدرقه زائران اماکن مذهبی است. این رسم از دوران صفویه رونق می‌گیرد و در دوران قاجار نیز باشکوه اجرا می‌شد. چاوش کلمه‌ای ترکی و در لغت به معنی جارچی و پیک است.

م) انجام مراسم هنری

هنرمندان گرگانی در ایام محرم در مراکز محلات (تکایا) سخنرانی و گردهمایی هنری (شعرخوانی، نقاشی، عکاسی و...) با موضوع عاشورا و کربلا برپا می‌کنند. در سال‌های اخیر هنرمندان گرگانی در خانه‌های تاریخی با برپایی آثار خود تکیه‌ای به نام تکیه هنرمندان به وجود آورده‌اند که به موضوع محرم و عاشورا اختصاص دارد (عکس ۹). اکثر شهرهای ایران در این ایام به سوگواری و ماتم و مصیبت می‌نشینند اما در گرگان انجام مراسم هنری قابل توجه است. این امر نمونه تعامل میان هنر و سنت است که از گذشتگان برگرفته شده است. محرم سال ۱۴۰۲ اداره میراث فرهنگی گرگان در فضای باز مدرسه تقوی میزبان اجرای مراسم تکیه هنرمندان بود.



عکس ۹- تکیه هنرمندان در فضای باز مدرسه تقوی (ساختمان اداره کل میراث فرهنگی،

گردشگری و صنایع دستی گرگان) (نگارندگان، ۱۴۰۲)

بحث

این مطالعه با تمرکز بر میراث ناملموس جاری در تکایای گرگان به دنبال تأکید بر اهمیت وجه ناملموس میراث فرهنگی در تداوم هویت و حیات یک مکان است که معمولاً مورد غفلت و کم توجهی واقع می‌شود. این در حالی است که امروزه با حصول آگاهی جهانی

نسبت به اهمیت این وجه از میراث مکان، دکترین‌های حفاظت بر لزوم شناسایی و صیانت از آن تصریح می‌کنند (UNESCO, 2003) و اساساً حفاظت جامع را در نتیجه توجه توأمان بر هر دو وجه ملموس و ناملموس مکان میسر می‌پندارند (UNESCO, 2011). از این رو تنها زمانی می‌توان گفت حفاظت کامل از میراث فرهنگی صورت گرفته که هر دو زمینه ناملموس و ملموس به خوبی مورد توجه قرار گیرند و در کنار کالبد، روح مکان نیز حفاظت شود. صیانت از این روح مکان که متأثر از وجه ناملموس مکان است به موازات حفاظت از کالبد، در اسناد ملی نیز مورد توجه قرار گرفته است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

بر این مبنا فارغ از آنکه تکایا - به مثابه میراث ملموس گرگان و ظرف مکان - موجب تداوم آیین‌ها و سنن مذهبی شهر - به مثابه میراث ناملموس و مظلوف مکان - شده است یا رابطه‌ای برعکس برقرار است؛^۱ موضوع مهم آنکه، امر حفاظت می‌باید با توجه به ارتباط جدی و تأثیر و تأثر گسترده میان این دو گونه میراثی، مسیر حفاظت و صیانت جامع را برگزیند (Rogers, 2019: 172). در این بین باید دقت داشت که آنچه باعث توجه به تکایا در گرگان شده است و ابقاء آن‌ها را در طول تاریخ رقم زده، نه تنها کالبد صرف آن‌ها بلکه آیین و سنن مذهبی جاری در آن‌هاست که در طول تاریخ موجبات تداوم حیات شهر و بقای تکایا را فراهم آورده است. آیین‌ها و رسوم، ارزش‌های نامشهود مکان بوده و به عبارتی می‌توانند روح تاریخی مکان را شکل دهند. اساساً همین نکته موجب شده وقتی برخی از فضاهای پیرامونی کالبد در زمان‌های غیر آیینی و غیرمذهبی برای استفاده اقتصادی اجاره داده می‌شود همه به این موضوع مقید باشند که در بازه زمانی اجرای میراث ناملموس، مکان به مظلوف اصیل خود (آیین‌ها و میراث ناملموس آن‌ها) اختصاص یابد. ریشه شکل‌گیری کالبد تکایا بدون شک وابسته به آیین‌ها و سنت‌هایی است که در محدوده و محله جاری بوده و برای اجرای آن‌ها فضای کالبدی شکل گرفته است. از طرفی

۱. تعیین رابطه علی و همبستگی میان کالبد تکایا و میراث ناملموس شهر، نیازمند پژوهشی مستقل است و در اهداف مطالعه حاضر لحاظ نشده است.

پس از شکل‌گیری کالبد اولیه، ادامه حیات نیز وابسته به جاری بودن آیین‌ها و سنت‌ها در درون این کالبد است. با این توصیف حفاظت از کالبد تکیه را باید مستلزم حفاظت از میراث ناملموس جاری در آن دانست و انتقال صحیح میراث ناملموس به آینده را عاملی در حفاظت از کالبد. به بیان دیگر شکل‌گیری اولیه کالبد با میراث ناملموس همراه بوده و کالبد به‌مثابه محل بروز و ظهور این میراث ناملموس به حیات خویش ادامه داده است. همین موجب شده امروزه نیز این میراث ناملموس جاری موجب حفاظت بهتر از کالبد تکیه شود.^۱ از این رو می‌توان بنیان حفاظت از تکایا را وابسته به میراث ناملموس جاری در آن‌ها دانست.

میراث ناملموس عامل تقویت حس مکان، روح مکان و تقویت خاطرات جمعی افراد محسوب می‌شود. فرهنگ غنی و انتقال آن از گذشته تا امروز با انتقال نسل به نسل ماندگار شده و مردم به عنوان بازیگران صحنه رویدادها، به‌طور غیرمستقیم حفاظت گران کالبد معماری هستند. به تعبیری میزبانی از رخداد‌های مختلف در طول سال به خصوص برگزاری آیین‌های مذهبی در تکایا و فراهم کردن بستر تداوم میراث ناملموس شهر در آن‌ها، نه تنها این اماکن مهم را به ایفای نقش خود به عنوان عرصه تجلی زندگی و فرهنگ بومی شهر قادر می‌سازد، بلکه حفظ همبستگی و انسجام عملکردی و ساختاری استخوان‌بندی تاریخی شهر را نیز باعث خواهد شد.

۱. در این بین نباید از این نکته غافل شد که در موارد محدودی به دنبال توسعه آیین‌های ناملموس در کالبد و استقبال مردم از آن‌ها، اولین تصمیم متولیان، توسعه کالبدی و فیزیکی فضاهاست. موضوعی که علاوه بر آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر کالبد اصیل و فضا‌های پیرامون، به تدریج اصالت میراث ناملموس را نیز از بین خواهد برد. اصالت میراث ناملموس با کالبد آن عجین است و از بین رفتن اصالت هر کدام دیگری را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این باره اشاره میرحسینی (۱۳۹۰: ۴۳) درباره آیین پیرسیدنصیر که در مسجد تاریخی محله سرپیر اجرا می‌شده و با تخریب و تغییر فرم این مسجد دیگر برگزار نمی‌شود و یا آیین عزاداری خاص بازار کهنه و بازار قیصریه که با تخلیه و تخریب این دو بازار در حدود سال ۱۳۱۴ منسوخ شده از موارد قابل توجه هستند.

جمع‌بندی

در این پژوهش، میراث ناملموس تکایا در بستر شهر تاریخی گرگان مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که همواره شناخت وجه ناملموس می‌تواند درک بهتر و دقیق‌تری از وجه ملموس ارائه نماید و این دو با تکیه بر یکدیگر زنده‌تر و پویاتر می‌مانند. تکایای گرگان از یک سو مکانی جهت انجام آیین‌های مذهبی شهر است و از سوی دیگر مرکز محله تاریخی و بستر تداوم حیات اجتماعی محله است. آیین‌های جاری در این مکان‌ها معرف میراث ناملموس تاریخی-مذهبی گرگان است (جدول ۱). به خصوص آیین و رسوم محرم در این شهر با کالبد معماری تکایای گرگان معنا پیدا می‌کند. وقتی آیین به‌طور فعالانه وجود دارد تکایا نیز برای اجرای آن‌ها فعال خواهند بود و در صورتی که این آیین‌ها به فراموشی سپرده شوند به تدریج کالبد نیز پایداری خود را از دست خواهد داد.

برای نمونه تعزیه زنان که یک آیین ویژه است امروزه با عدم اجرای مجدد، به صورت کامل از بین رفته و به فراموشی سپرده شده است؛ این در حالی است که در مقابل آن رسم دسته‌چوبی که به همت اهالی محله میخچه‌گران مجدد احیاء شده بود، در حال حاضر در چهار محله تاریخی اجرا می‌شود و خود موجب رونق بیشتر و در نتیجه حفاظت از تکایای محلات مختلف نیز شده است. در نتیجه می‌توان انتظار داشت چه در تکایای گرگان و چه در دیگر کالدهای معماری که با میراث ناملموس عجین هستند یکی از بهترین راه‌های حفاظت از کالبد توجه جدی و دقیق به میراث ناملموس جاری در آن‌ها باشد. از این رو می‌توان از میراث ناملموس به عنوان یک محرک حیات‌بخش در فرآیند حفاظت نام برد. همچنین پژوهش در وابستگی بین این دو (میراث ناملموس و تکایا) و یافتن رابطه علی بین آن‌ها یکی از مواردی است که می‌تواند در قالب مطالعه‌ای مستقل مورد توجه قرار گیرد و بخش دیگری از ابهامات مرتبط با موضوع را برطرف نماید.

جدول ۱- وضعیت اجرای میراث فرهنگی ناملموس در تکایای گرگان. (نگارندگان، ۱۴۰۲)

مراسم مسنوخ‌شده	مراسم در حال اجرا							تکایای گرگان	ردیف
	اطعام دهمی	دسته چوبی	صبح روسیاه و شام غریبان	حلیم پزی	پامنبری	توق بندان	دسته گردانی		
تعزیه زنان (خانه اعیان محل)، اسکان فقرا و مسافرین.	*	*	*	*	*	*	*	تکیه میخچه‌گران	۱
	*	*	*	*	*	*	*	تکیه سرپیر	۲
	*	*	*	*	*	*	*	تکیه دباغان	۳
	*	*	*	*	*	*	*	تکیه سیزه‌مشهد	۴
تعزیه زنان (خانه اعیان محل)، اسکان فقرا و مسافرین، دسته‌چوبی.	*	-	*	*	*	*	*	تکیه سرچشمه	۵
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه دوشنبه‌ای	۶
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه درب‌نو	۷
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه میدان	۸
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه میرکریم	۹
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه شاهزاده‌قاسم	۱۰
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه نعلبندان	۱۱
	*	-	*	*	*	*	*	تکیه پاسرو	۱۲

تعارض منافع

هیچ مورد از تعارض منافع گزارش نشده است.

ORCID:

Maryam Mohammadi



<https://orcid.org/0009-0006-6973-9382>

Reza Rahimnia



<https://orcid.org/0000-0002-3582-0637>

Amir Mohammad



<https://orcid.org/0000-0001-7685-5169>

Moazezi Mehr-e-Tehran

منابع

- آبسالان، عاطفه. (بی تا)، «بررسی نقش تکایا و مراسمات آیینی مذهبی بر عملکرد مرکز محله‌ها (بافت تاریخی گرگان)».
- اخوان مهدوی، محمود. (۱۳۹۴)، «دسته چوبی»، میرداماد: فصل‌نامه اختصاصی مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره ۱: ۹۱-۹۲.
- اردلان، امان‌الله و عاقلی، باقر. (۱۳۹۳)، زندگی در دوران شش پادشاه، خاطرات حاج عزالممالک اردلان، تهران: نشر نامک، چاپ سوم.
- امین‌زاده، بهرام. (۱۳۸۶)، «بازشناسی اثر آیین‌های جمعی بر پیکره‌بندی شهر سنتی (مطالعه موردی: سمنان)». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲: ۵-۱۳.
- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۷۸)، حسینیه‌ها و تکایا بیانی از هویت شهرهای ایرانی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۶: ۵۵-۶۶.
- بزرگ‌نیا، زهره. (۱۳۸۵)، تکیه‌ها و حسینیه‌ها، تهران: نشر صوفیان، چاپ اول.
- حسن‌پور، مرتضی و سلطان‌زاده، حسین. (۱۴۰۰)، «تبیین نقش متقابل فرهنگ و هنر در معماری آیینی تکاپای مازندران»، مطالعات هنر اسلامی، دوره هجدهم، شماره ۴۱: ۱۸۴-۱۶۰.
- خرم‌رویی، ریحانه؛ پهلوان، پرتو؛ ظریف‌عسگری، الهه؛ صبوری، سمیه؛ دانشی، پرینا و صدفی‌کهنه، پدram. (۱۳۹۸)، گرگان از منظر میراث و آیین، هنر و تمدن شرق، سال هشتم، شماره ۲۸: ۱۳-۲۲.
- خیام‌نیا، مسعود. (۱۳۹۴)، تأثیر موسیقی کلاسیک ایرانی به عنوان میراث ناملوس فرهنگی در تصویر ذهنی گردشگران خارجی از شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه‌های آموزشی عالی غیردولتی-غیرانتفاعی شیخ بهایی.
- رایینو، یاسنت لویی. (۱۳۸۳)، مازندران و استرآباد، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- رحیم‌زاده، معصومه. (۱۳۸۲)، سقالاتارهای مازندران منطقه بابل وجهی از معماری آیینی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران، چاپ اول.

- رحیم‌نیا، رضا؛ قرائتی، مهرا و زمانی فرد، علی. (۱۳۹۴)، «کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با دانش بومی حفاظت؛ رویکردی برای پاسداشت میراث فرهنگی ناملموس». دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال دوم، شماره ۴: ۱۴۵-۱۷۷.
- رشتچیان، یعقوب. (بی‌تا)، شهرشناسی استارآباد: پژوهشی در فرایند دگرگونی‌های بافت شهری گرگان (پیش از ۱۳۰۰ تا دهه ۱۳۵۰ خورشیدی)، انتشارات شرکت بازآفرینی شهری ایران.
- رضایانی، امید. (۱۴۰۲)، مصاحبه منتشرنشده در خصوص آیین‌های محرم در گرگان.
- رضوانی، نوشین؛ بهزاد فر، مصطفی و حبیبی، کیومرث. (۱۳۹۵)، «ارزیابی بافت‌های تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان)»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره ۲۹: ۲۳-۴۲.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۷)، از آستارا تا استرآباد، جلد پنجم، ششم، هفتم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲)، سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوآر، چاپ اول.
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۴)، نائین شهر هزاره‌های تاریخی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- شاهی، طاهره و خورشید، صدیقه. (۱۳۹۴)، «میراث ناملموس راهی به سوی توسعه گردشگری خلاق، مطالعه موردی استان مازندران»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع، تهران.
- کاویانی، محمدرضا. (۱۴۰۲)، مصاحبه منتشرنشده در خصوص آیین‌های محرم در گرگان.
- کتولی، حسین. (۱۳۸۸)، الگویابی و توانمندسازی مرکز محلات بافت تاریخی گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه تهران.
- لیوانی، معصومه. (۱۳۹۱)، بررسی نقش مراسم آیینی در بازآفرینی ساختار بافت تاریخی گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشگاه تهران.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۸)، قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی-فرهنگی.
- محمدی، مریم. (۱۴۰۲)، نقش میراث ناملموس در باززنده‌سازی مجموعه‌های تاریخی؛ نمونه موردی: تکایای میخچه‌گران گرگان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

میراث فرهنگی ناملوس، بن مایه بقا و حیات...، محمدی و همکاران | ۱۷۱

- مجیدی خامنه، فریده. (۱۴۰۰)، «راهبردهای حفاظت از فن آوران بومی (گنجینه‌های زنده بشری)». مطالعه موردی: کرمان»، دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران، دوره هشتم، شماره ۱۶: ۱۷۵-۲۱۵.

- مسعود، هاله. (۱۳۹۵)، بررسی راهکارهای حفظ و احیا میراث فرهنگی ناملوس به کمک گردشگری (مورد مطالعه: گردشگران داخلی شهر اصفهان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت گردشگری، دانشگاه هنر اصفهان.

- معززی مهرطهران، امیرمحمد و فاطمی، مهدی. (۱۴۰۲)، دریچه‌ای نو در بساخت تجربه گردشگری، گردشگری فرهنگ، دوره چهارم، شماره ۱۴: ۳۰-۳۷.

- معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۴)، استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران، نگاهی به ۵۰۰۰ سال تاریخ منطقه، مشهد: نشر درخشش، چاپ اول.

- مقسمی، گلشن. (۱۳۹۴)، تکایای گرگان؛ هدایت‌کننده حیات شهری و محله‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان.

- مقسمی، گلشن و اسپو محلی، مریم. (۱۳۹۵)، «مراسم آئینی محرم در بافت تاریخی گرگان»، میرداماد: فصل‌نامه اختصاصی مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۵: ۶۸-۷۵.

- مقسمی، گلشن؛ امین‌پور، احمد و رحیم‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۵)، «بررسی نگرش مردم بر کیفیت کالبدی و فضایی تکایای گرگان»، اولین کنفرانس بین‌المللی معماری هدف، شیراز.

- مقصود لو، حسینقلی. (۱۳۶۳)، مخابرات استرآباد: گزارش‌های حسینقلی مقصود لو (وکیل الدوله)، ویراسته: ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت، تهران: نشر تاریخ ایران، چاپ اول.

- ملازاده، کاظم و محمدی، مرید. (۱۳۸۲)، مدارس و بناهای مذهبی، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ اول.

- موسوی سروینه باغی، الهه سادات؛ مرادی، نینا و رنجبر، احسان. (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی کالبدی میدان‌های مرکز محله در بافت تاریخی گرگان»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ششم: شماره ۲۱: ۶۷-۷۸.

- میرحسینی، محدثه. (۱۳۹۰)، بررسی و تعریف محور فرهنگی تاریخی استرآباد و طرح سازمان‌دهی گذر درب‌نو و مرمت بخشی از جداره‌های آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان.

- میرحسینی، محدثه. (۱۴۰۲). مصاحبه منتشر نشده در خصوص آیین توق‌بندان در گرگان.
- میرتقیان رودسری، سید محمد؛ خراسانی، محمدامین و خلج، بهاره. (۱۴۰۱)، تحلیل توزیع فضایی میراث فرهنگی ناملموس در راستای حفاظت و توسعه میراث در ایران، آمایش جغرافیایی فضا، دوره دوازدهم، شماره ۴: ۱۹-۳۷.
- نظیف، حسن. (۱۳۹۰)، «نقش تکایا در پایداری کالبدی بافت تاریخی گرگان»، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز.
- نوروزی، ساسان؛ شادلو، پرینا و خالقی، آیدا. (۱۳۹۵)، «الگوی بهینه پایدار جهت احیاء منظر فرهنگی و میراث ناملموس جاده ولایت (نمونه موردی: روستای شریف آباد)»، چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. (۱۳۹۰)، پرونده ثبتی میراث ناملموس (معنوی) آیین و مراسم توق‌بندان گرگان (استان گلستان)، شماره ثبت: ۴۳۱، تاریخ ثبت: ۱۳۹۰/۱۰/۰۷، تهران: دفتر ثبت آثار و حفظ و احیا میراث معنوی و طبیعی.
- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. (۱۳۹۱ الف)، پرونده ثبتی میراث ناملموس (معنوی) چهل منبر (استان گلستان)، شماره ثبت: ۵۵۰، تاریخ ثبت: ۱۳۹۱/۰۶/۲۰، تهران: دفتر ثبت آثار و حفظ و احیا میراث معنوی و طبیعی.
- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. (۱۳۹۱ ب)، پرونده ثبتی میراث ناملموس (معنوی) مراسم دسته چوبی در بافت قدیم گرگان (استان گلستان)، شماره ثبت: ۶۸۰، تاریخ ثبت: ۱۳۹۱/۰۹/۲۲، تهران: دفتر ثبت آثار و حفظ و احیا میراث معنوی و طبیعی.
- هوشیار، شعله. (۱۳۹۶)، مطالعه و بررسی محورهای گردشگری در بافت تاریخی-فرهنگی شیراز با رویکرد ارتقا تعامل میان گردشگر و میراث ناملموس (نمونه موردی: گذر کوی افشار)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته معماری، موسسه آموزش عالی حافظ.
- بیت، چارلز ادوارد. (۱۳۶۵)، خراسان و سیستان، سفرنامه کنل بیت به ایران و افغانستان، ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.

- Deacon, Harriet. (2004). Intangible heritage conservation management planning: the case of robben island. *International Journal of Heritage Studis*, 10 (3). 309-319.

- Ferrari, Sonia, and Chito Guala. (2017). Mega-events and their legacy: Image and tourism in Genoa, Turin and Milan. *Leisure Studies*, 36 (1), 119-137.
- Kurin, Richard. (2004). Safeguarding intangible cultural heritage in the 2003 UNESCO convention: a critical appraisal. *Museum international*, 56 (1-2), 66-77.
- Peterson, Samuel. (1979). The Ta'ziyeh and related arts. *Ta'ziyeh: Ritual and drama in Iran*. New York University Press. 64-87
- Rogers, Ayesha. (2019). Values and Relationships between Tangible and Intangible Dimensions of Heritage Places. In *Values in Heritage Management: Emerging Approaches and Research Directions*, by Erica Avrami, Susan Macdonald, Randall Mason, and David Myers. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- <http://www.getty.edu/publications/occasional-papers-3/part-two/12/>.
- UNESCO General Conference. (2003). *The Convention for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage*. <http://www.unesco.org>.
- UNESCO. (2011). *A new International instrument: the proposed UNESCO Recommendation on the Historic Urban Landscape*. adopted by the General Conference at its 36th Session, Paris, 10 November 2011, Paris: UNESCO World Heritage Centre.
- Yuan, Wang. (2008). *The conservation of intangible cultural heritage in historic areas*. The department of Architectural History & Theory, School of Architecture, Southeast University.

استناد به این مقاله: محمدی، مریم؛ رحیم نیا، رضا و معززی مهر طهران، امیررضا. (۱۴۰۳). میراث فرهنگی ناملوس، بن مایه بقا و حیات تکایا در شهر گرگان. دو فصلنامه دانش های بومی ایران، ۱۱(۲۱)، ۱۷۳-۱۳۹.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.